

تصویرسازی از آینده ایران پس از جنگ با رژیم صهیونیستی و آمریکا

تبیین مسئله: ابهام در سرنوشت، تهدیدی برای انسجام ملی در هر جنگ یا بحران فراگیر، مسئله‌ای که اغلب از خود جنگ خطرناک‌تر است، ابهام در آینده است. اگر مردم ندانند پس از این جنگ چه خواهد شد و چه سرنوشتی در انتظارشان است، ذهن‌ها گرفتار شایعات، روایت‌های دشمن، و ترس‌های مبهم می‌شود.

ابهام در سرنوشت منجر به تشویش ذهنی، اضطراب روانی، کاهش آستانه تحمل اجتماعی و در نهایت بی‌اعتمادی به مسیر مقاومت می‌شود. در چنین وضعیتی، کوچک‌ترین کمبود یا فشار، می‌تواند به نارضایتی‌های گسترده اجتماعی و فروپاشی روانی تبدیل شود.

دشمنان دقیقاً در همین خلأ روانی، تصویرهایی از «ایران شکست‌خورده»، «آینده‌ی تاریک» و «بی‌فایده‌ی مقاومت» را تبلیغ می‌کنند تا اراده ملی را از درون متلاشی سازند. از همین رو، در کنار نبرد نظامی، نبرد تصویر آینده جریان دارد.

فرصت‌ها و راهکارها: چگونه جنگ می‌تواند آینده‌ای مطلوب بسازد؟ جنگ، اگرچه سخت و پرهزینه است، اما در دل خود فرصت تاریخی برای بازتعریف جایگاه ایران در نظم جهانی نهفته دارد. در صورت عبور موفق از جنگ فعلی و شکست پروژه صهیونیستی-آمریکایی، مجموعه‌ای از فرصت‌های راهبردی و بی‌بدیل برای ایران فراهم می‌شود:

۱. **بازدارندگی پایدار و تثبیت امنیت ملی:** پیروزی ایران برابر رژیم‌هایی که نماد نظام سلطه در منطقه است، قدرت بازدارندگی ایران را تثبیت کرده و هزینه هرگونه تهدید جدید را برای دشمنان به شدت افزایش می‌دهد.

۲. **بازیابی موقعیت ژئوپلیتیک در منطقه و جهان:** جایگاه ایران به‌عنوان محور اتصال شرق به غرب (از چین تا مدیترانه) بازتعریف می‌شود و مسیرهای جدید زمینی و دریایی احیای راه ابریشم از بستر ایران عبور خواهد کرد.

۳. **شکست هیمنه آمریکا و احیای تعاملات اقتصادی** با تضعیف هژمونی آمریکا، تحریم‌ها اثرگذاری کمتری پیدا می‌کنند. ایران می‌تواند به بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی با ابزارهایی مانند ارزهای جایگزین، پیمان‌های منطقه‌محور و سیستم‌های پرداخت موازی دسترسی پیدا کند.

این اتفاق با ایجاد هزینه های سرسام آور برای آمریکا با بالا رفتن قیمت نفت ایجاد شود که این موضوع بازارهای آمریکا را دچار شوک می کند منجر به بروز بحران های اقتصادی در اقتصاد غرب و آمریکا می شود و همچنین خروج آمریکا از منطقه باعث تعامل بهتر کشور ایران با همسایگان و کشورهای منطقه می شود.

۴. بازگشت نخبگان و جهش فناوری: ثبات سیاسی و روانی بعد از پیروزی، زمینه بازگشت متخصصان و نخبگان ایرانی مقیم خارج را فراهم می کند و موتور توسعه علمی و صنعتی کشور را شتاب می بخشد.

فرصت تاریخی حضور نخبگان به جهت ایجاد فرصت بازسازی کشور و طراحی مجدد ساختارها و نیاز حاکمیت به نخبگان می تواند زمینه را برای بازگشت نخبگان فراهم سازد.

۵. ترمیم رابطه ملت و دولت و اصلاح حکمرانی: حمایت مردمی از مقاومت، بستر همبستگی ملی و رفع شکاف های اجتماعی را فراهم می کند. این موج جدید مشارکت می تواند زمینه ساز اصلاحات عمیق در نظام حکمرانی کشور شود.

قالب های روایت تصویر آینده ایران: برای نهادینه سازی امید و پایداری اجتماعی، تصویر مطلوب از آینده ایران باید در قالب های متنوع، تأثیرگذار و قابل لمس برای اقشار مختلف جامعه تولید و باز نشر شود. برخی از این قالب ها عبارت اند از:

۱. رسانه و هنر: ساخت فیلم، سریال، موشن گرافی، مستند و نریشن از آینده ایران بعد از پیروزی. نمایش ایران بازسازی شده، مستقل، پیشرفته و نقش آفرین در منطقه.

تولید پادکست ها و برنامه های گفت و گویی با حضور نخبگان، مردم و نسل جوان.

۲. روایت گری مردمی: دعوت از مردم به نوشتن و نقاشی چشم انداز آینده (ویژه نوجوانان، دانش آموزان، مادران).

استفاده از زبان کودکان و خانواده ها برای گفتن داستان «فردای پیروزی».

انتشار روایت های محلی از مردمی که در بحران نقش آفرین بودند.

۳. میدان های اجتماعی: راه اندازی حلقه های گفت و گوی امید در مساجد، مدارس، پایگاه های بسیج و محله ها.

کارزارهای مردمی با شعارهایی چون «جنگ امروز ایران فردا را می سازد» و...

طراحی المان‌های شهری، دیوارنگاره‌ها و بنرهای خیابانی با پیام‌های امیدبخش.

-در شرایط جنگ، برنده واقعی کسی است که آینده را بهتر روایت کند. ایران، اگر بتواند تصویر روشنی از آینده‌ای امن، مستقل، پیشرفته و مردمی ترسیم کند، خواهد توانست نه تنها در میدان نبرد، بلکه در میدان ذهن‌ها نیز پیروز شود. این تصویرسازی، پایه امنیت روانی مردم، موتور مشارکت اجتماعی، و آغاز جهش تمدنی ایران در نظم جهانی آینده خواهد بود.